

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله آداب اسلام ۱۸

آداب، منشینی با دوستان

بسم الله الرحمن الرحيم

ابن الجوزی (رحمته الله) می گوید: عادهای زیادی را در میان مردم دیدم که باعث اتلاف وقت آنها می شد. آنها همدیگر را ملاقات می کنند در حالی که جز سخنان بیهوده و غیبت حرفی نمی زنند و حداقل اینها از دست رفتن وقت است. در حالی که پیشینیان از این کار خودداری کرده اند. فضیل می گوید: «کسی را می شناسم که سخن خود را از جمعه ای تا جمعه دیگر می شمارد». الآداب الشرعیه (۴۵۶/۳).

همنشینی را اختیار کند که دین و اخلاق و امانت وی در ظاهر و باطن همراه وی باشد. چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «هر کسی بر دین دوست و همنشین خود است، پس هر کدام از شما بنگرید که با چه کسی دوست است». امام احمد (۸۲۱۲) و البانی گفته است که حدیث حسن است.

همچنین فرموده است: «جز با انسانهای مؤمن همنشین مباش و غذایت را جز با انسانهای متقی نخور». امام احمد (۱۰۹۴۴) و البانی گفته است که حدیث حسن است. و همنشین انسان باید عاقل و صبور و باتقوا باشد. بهتر است که علت دوستی و همنشینی برای خداوند باشد تا محبت ناب و خالص برای خداوند باشد. چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «خداوند در روز قیامت می فرماید: کجا هستند عاشقان جلال من، امروز آنها را در سایه خود پناه می دهم روزی که هیچ سایه ای جز سایه من نیست». مسلم (۲۵۶۶). و پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «خداوند متعال فرموده است: محبت من برای عاشقان من و برای کسانی که

بخاطر من می نشینند و برای کسانی که بخاطر من یگدیگر را ملاقات و با هم تبادل نظر می کنند، واجب است». (امام احمد (۲۱۵۲۵) آیا مقصود از سایه، در این حدیث سایه خداوند است، یا سایه عرش خداوند که در حدیث دیگری آمده، و بین علماء در این اختلاف است، بعضی گفته اند که مقصود سایه عرش است، و بعضی هم گفته اند سایه در اینجا صفتی از صفات خداوند است که به جلال و عظمت او لایق است)

شایسته است کسی که دیگری را بخاطر خداوند دوست دارد او را از این دوست داشتن باخبر کند. همچنانکه روایت شده است که: «مردی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود که مرد دیگری از کنار آنها گذشت و گفت: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) من این مرد را دوست دارم پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود آیا خودش می داند؟ گفت: نه. گفت: به او خبر بده، او را دنبال کرد و به او خبر داد گفت: من تو را به خاطر خدا دوست دارم. آن مرد در جواب گفت: کسی که مرا به خاطر او دوست داشته ای، تو را دوست بدارد، (یعنی خداوند تو را دوست بدارد)». ابوداود (۵۱۲۵) و البانی گفته است که حدیث حسن است. عاشقان هر از چندگاهی خودشان و قلبشان را جستجو کنند.

نسبت به دوستان گشاده رو و مهربان باشد. چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «گشاده رویی با دوستان دست کمی از امر به معروف نیست». مسلم (۲۶۲۶). پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «خنده انداختن در صورت برادر مسلمانیت، صدقه است». صحیح الادب (۶۸۴).

و فرموده است: «مردم به اموال شما دسترسی پیدا نمی‌کنند پس گشاده‌رویی خود را از آنان مگیر». روایت بزار با سند حسن چنانکه آورده است، ابن حجر، الفتح (۴۵۹/۱۰) در در آخر حدیث این لفظ (و حسن الخلق). (خوش اخلاقی) نیز آمده است.

میان برادران دینی بر نصیحت کردن و مشورت کردن با همدیگر رقابت وجود داشته باشد. همان چیزی که اصحاب پیامبر ﷺ بر آن با پیامبر ﷺ بیعت کردند. همچنانکه جریر بن عبدالله ﷺ می‌گوید: «با پیامبر ﷺ بر اقامه نماز و دادن زکات و نصیحت و مشورت با هر مسلمانی بیعت کردم». بخاری (۵۷) و مسلم (۵۶).

و از معاذ بن جبل ﷺ روایت شده است که گفت: «تو را بر حذر می‌دارم از نشستن با کسانی که فایده علمی برای تو ندارند». الأدب الشرعی (۵۴۴/۳).

دوستان را به معروف امر کند و آنها را از منکر نهی کند و حق را برای آنها بیان کند.

به آنها نیرنگ نزند و بر اساس دین خدا با آنها رفتار کند.

در کارهایی که گناه محسوب نمی‌شود با آنها هم‌نوا باشد، و در امور دنیوی کمتر با آنها مخالفت بورزد.

در کارهای دوستان با آنها همکاری کند. پیامبر ﷺ فرمود: «تا زمانی که بنده‌ای به برادر دینی خود کمک کند، خداوند نیز کمک و یاور اوست». مسلم (۲۶۹۹).

مسلمانان و برادران دینی میان همدیگر تواضع و فروتنی داشته باشند، و بر همدیگر کبر و فخر فروشی نکنند. پیامبر ﷺ فرموده است: «خداوند به من وحی

کرده که با همدیگر متواضع و فروتن باشید، و کسی بر دیگری فخر نفروشد». مسلم (۲۸۶۵).

و پیامبر ﷺ فرموده است: «کسی پیدا نشده است که برای خداوند تواضع کرده باشد و خداوند مقام او را بالا نبرده باشد». مسلم (۲۵۸۸).

با دوستان خوش اخلاق باشد. «از جمله گشاده‌رویی، تحمل کردن اذیت و آزار آنها و فرو خوردن خشم». نسبت به دوستان سینه صاف و بدون کینه داشته باشد. چون پیامبر ﷺ فرموده است: «پروردگار کینه و نفرت را از قلبم بیرون بیاور». ابوداود (۱۵۱۰) و البانی آن را صحیح دانسته است.

نسبت به دوستان حسن ظن داشته باشد، و در کار آنها فضولی نکند، و سخنان آنها را حمل بر نیک کند، و از آنها عذرخواهی کند.

از لغزشهای آنها چشم‌پوشی کند و خشم خود را فرونشانند. چون پیامبر ﷺ فرموده است: «کسی که خشم خود را فرونشانند در حالی که می‌تواند آنرا انجام دهد، خداوند روز قیامت او را در بین مخلوقات صدا می‌زند تا هر حوری که بخواهد انتخاب کند». ترمذی (۲۰۲۱) و البانی آن را حسن دانسته است.

و این گناه یا ضعف نیست بلکه بزرگی و عزت است. چون ابوهریره ﷺ روایت کرده است که پیامبر ﷺ فرمود: «صدقه از دارایی شخص نمی‌کاهد و خداوند عزت کسی که دیگران را می‌بخشد، زیاد می‌کند، و کسی که برای خداوند تواضع کند، خداوند او را والا می‌گرداند». مسلم (۲۵۸۸).

نهی شده از اینکه بغض و کینه و حسد و قهر را به دل راه داد، هر چند که حق به جانب باشد، و بیشتر از سه روز نباید قهر باشد.

نهی شده است که یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار داد و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد کرد.

ابوجبیره بن ضحاک ﷺ می‌گوید: «این آیه در مورد بنی سلمه نازل شد که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَتَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ﴾». (الحجرات: ۱).

«و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید».

گفت پیامبر در حالی میان ما قدم گذاشت که هر یک از ما دو یا سه اسم داشت. پس پیامبر ﷺ شروع کرد به صدازدن کسی و گفت: ای فلانی، گفتند: یا رسول الله ﷺ او از این اسم بدش می‌آید. و این آیه نازل شد که ﴿وَلَا تَتَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾. ابوداود (۴۹۶۲).

و از توهین کردن و عیب گرفتن به دیگران خودداری کند. (یکی گوید که: من عیب یک نفر را گرفتم و گفتم که این دندان‌هایش همه افتاده، پس دندان‌هایم همه‌اش افتاد، و به نامحرمی نگاه کردم، و کسی به ناموس من نگاه کرد که من او را نخواستم. الأدب الشرعی (۳۴۱/۱).

اصلاح بین مردم مستحب است. پیامبر ﷺ فرمود: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که درجه آن از روزه و نماز و صدقه برتر باشد؟ گفتند: آری، فرمود: اصلاح میان مردم، چون فساد میان آنها همان مرگ است». (ترمذی (۲۵۰۹)) و اینکه اگر حق بر علیه او باشد او به حق دیگری اعتراف

کند.

به دوستان و برادران دینی کمک مالی بکند. از یحیی بن هلال الوارق روایت شده است که گفت: «یک بار به خانه ابوعبدالله رفتم، پیش او شکایت و آه و ناله کردم و او چهار درهم درآورد و گفت: «این تمام دارای من است». (الآداب الشرعیه ۶/۲).

منت نهادن بر دوستان حرام است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سه دسته هستند که خداوند در روز قیامت با آنها صحبت نمی‌کند، و به آنها نمی‌نگرد، و آنها را تزکیه نمی‌کند، و عذاب سختی در انتظارشان است، از جمله کسانی که منت می‌گذارند». مسلم (۱۰۶).

راز دوستان را نگه دارد و آن را فاش نکند. همچنان که ثابت از انس رضی الله عنه روایت کرده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله بر من وارد شد در حالی که با بچه‌ها بازی می‌کردم، بر ما سلام کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله مرا فرستاد تا چیزی بخرم و تأخیر کردم و هنگام بازگشت مادرم گفت: چرا دیر کردی؟ گفتم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا پی حاجتی فرستاده بود. گفت: چه حاجتی؟ گفتم: این یک راز است. گفت: هیچ کس راز رسول الله صلی الله علیه و آله را بازگو نمی‌کند.

انس گفت: قسم به خدا اگر کسی را از آن را باخبر می‌کردم، حتماً تو را ای ثابت از آن باخبر می‌کردم. مسلم (۲۴۸۲).

عمرو بن العاص می‌گوید: رازی را به کسی گفته بودم و آن را فاش کرد. و من او را سرزنش کردم، چون سینه من از نگه داشتن راز تنگ شده بود. و شاعری گفته است:

إذا ضاق صدر المرء عن سر

فصدر الذي يستودع السر

نفسه
«وقتی کسی سینه‌اش از نگه داشتن راز خود تنگ شد، پس سینه کسی که راز را به او می‌سپارد تنگ‌تر است». مشورت با عاقلان چنانکه گفته شده است:

شاوړ سواک إذا نابتک
یوماً وإن کنت من أهل
نائبه
المشورات
فالعین تبصر منها ما نأی
ولا تری نفسها إلا بمرآة
ودنا

«اگر اهل مشاوره و نظرخواهی از دیگران هستی هرگاه به مشکلی برخوردی (با شخصی) مشورت کن، چون دیدگان هر چه را که در منظر و نزدیک اوست می‌بیند، اما خودش را جز در آینه نمی‌بیند».

حق هر صاحب حقی را به وی ادا کند، و آن را بر اساس اختلاف طبقات آنها ادا کند. چون بعضی از علما گفته‌اند: برای معاشرت صورتهایی وجود دارد، پیامبران و بزرگترها باید با احترام رفتار کرد و به آنها خدمت کرد و کارهای آنها را انجام داد. و برای فامیلان و نزدیکان باید نصیحت کرد و هر چه که از دستش برمی‌آید انجام دهد، و دانش آموزان و کوچکترها را راهنمایی و ادب کند. عیوب همدیگر را بپوشانند. با بدی و زشت‌خویی با یکی از برادران دینی روبرو نشود.

در مقابل آنها رعایت حجاب و حیا کند. خلاف وعده‌هایی که به آنها داده است، رفتار نکند. آنچه را که برای خود دوست دارد، برای آنها نیز

دوست بدارد.

بر چیزی که مهربانی و رحمت را میان آنها زیاد می‌کند، پافشاری داشته باشد. از اسم برادر دینی خود و اسم پدر و آدرس او سوال کند.

اخوت و برادری خود را با او قطع نکند، و از او احساس تنفر نکند. دوستی و مهربانی گذشته را حفظ کند. فداکار باشد.

به خاطر امور دنیوی سر برادر دینی خودت کلاه نگذارد و او را فریب ندهد.

از آبروی دوستان و برادران دینی دفاع و حمایت کند. مشتاقانه حاضر به خدمتگزاری آنها باشد. سخن‌چینی و فتنه‌گری را در مورد آنها قبول نکند. بعد از فوت آنها، همچنان به دوستی‌شان پایبند باشد. با کارهای پسندیده میان آنها دوستی ایجاد کند. برادران دینی خود را ملاقات کند و خود را از آنها پنهان نکند.

بر آزار و اذیت آنها صبر پیشه کند. همسر و فرزندان دوستانش را احترام بگذارد. در چیزهایی که گناه نمی‌باشد آنها را مدح و ثنا گوید. سرزنش و عتاب آنها را کمتر کند. جواب نامه آنها را بفرستد. نفیست و آنها را درک کند. گفته‌اند که شخص در سه چیز آزموده می‌شود: هنگام هوی و هوس، هوس وی آزموده می‌شود، و هنگام

عصبانی شدن، عصبانی بودن او آزموده می شود، و هنگام طمع ورزیدن، طماع بودن وی آزموده می شود. الآداب الشرعیه (۵۳۸/۲).

عذر کسی را که کار بدی انجام داده است قبول کند. و هنگامی که این گونه از تو عذرخواهی می کند، با تبسم وی را جواب بده.

حسن بن علی (ع) گفته است که: اگر کسی در این گوشم مرا دشنام دهد و در دیگر گوشم، عذرخواهی کند، حتماً عذر وی را قبول می کنم.

قیل لي قد ساء إليك وقعود الفتى عن الضيم
فلان عار
قلت قد جاءنا فأحدث دية الذنب عندنا
عذراً الاعتذار

«به من گفته شد که فلانی به تو بدی کرد و ساکت نشستن جوانمردان در مقابل ظلم، ننگ است. گفتیم: او برای عذرخواهی پیش ما آمده، چون خون بهای گناه از دید ما، معذرت خواهی است.

کسی که یکسال با برادر دینی خود قهر باشد، چگونه است؟ پیامبر (ص) فرمود: «کسی که یکسال با برادر دینی خود قهر باشد، مثل این است که خون او را ریخته باشد». السلسله الصحيحه (۹۲۸).

برای برادران دینی خود دعا کند. چون پیامبر (ص) فرمود: «دعای شخص برای برادر دینی خود در غیبت او مستجاب می شود. و بر پشت سر وی فرشته ای موکل گذاشته شده که هرگاه برای برادر دینی خود دعای خیر کند، فرشته می گوید: «برای تو و او آمین». السلسله

الصحيحه (۱۳۳۹).

طبرانی در مکارم الاخلاق از ابن عباس (رضی) روایت کرده است که: «سه کس هستند که من قادر به پاداش آنها نیستم و نفر چهارمی هم هست که غیر از خدا کسی قادر به پاداش دادن او نیست. مردی که در محل نشستن خود برای من جا باز کند. و مردی که هنگام تشنه بودن مرا سیراب می کند. و مردی که پاهایش در رفت و آمد به خانه من خاک آلوده شده است. و اما نفر چهارمی که غیر از خداوند متعال کسی قادر به پاداش دادن او نیست، کسی است که نیازی برای او پیش آمده و او شب را تا صبح فکر کرده است و صبح هنگام دیده که من می توانم نیازش را برآورده می کنم و این شخص جز خدا کسی نمی تواند پاداش وی را بدهد. و من از مردی شرمند می شوم که سه بار به خانه من آید، ولی اثری از من بر وی نباشد. الآداب الشرعیه (۳۲۵/۱).

یحیی بن اکثم می گوید: روزی برای احمد بن حنبل تغییرات بعضی از دوستان را ذکر کردم، پس او شعر زیر را سرود:

و ليس خليلي بالملول ولا إذا غبت عنه باعني
الذي بخليل
و لكن خليلي من يدوم ويحفظ سري عند كل
وصاله خليلي

«دوست من کسی نیست که ملول و آزرده باشد و کسی نیست که هنگام غایب بودن من، مرا به دیگری بفروشد.

بلکه دوست من کسی است که وصال وی همیشگی باشد و راز مرا نزد هر دوستی حفظ کند». الآداب الشرعیه (۲۲۷/۲).